

دختران پرسپولیسی هم آزادی را دیدند

12 شهریور 1401

درهای تمام استادیومها در تمام شهرها باید به روی زنان باز شود

دومین تجربه حضور زنان در استادیوم در بازی‌های لیگ غروب چهارشنبه رقم خورد. طبق اعلام مقامات رسمی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ زن و طبق گفته حاضرین بیش از دو هزار زن بازی پرسپولیس و صنعت نفت آبادان را از نزدیک در استادیوم آزادی تماشا کردند. چند روز قبل از این اتفاق زنان هوادار استقلال در بازی این تیم مقابل مس کرمان برای نخستین بار در لیگ وارد استادیوم شده بودند. حضور زنان طرفدار سرخابی‌های پایتخت در [ورزشگاه آزادی](#) تصاویر بی‌نهایت زیبایی خلق کرد که هنوز در شبکه‌های اجتماعی در حال دست به دست شدن است.

حال که بعد از دهه‌ها محرومیت و محدودیت دو بار در فاصله چند روز زنان بدون بروز هیچ‌گونه حاشیه‌ای و در کمال آرامش وارد ورزشگاه شدند و سپس به خانه برگشتند، آن‌هم با تجربه‌ای عمیقاً لذت‌بخش و همچنین بعد از نگارش متن‌های احساسی پیرامون این اتفاق و خالی شدن هیجانانگیز، می‌توان سراغ بحث‌های منطقی در این رابطه رفت و سوالات مهمی را پیش کشید. سوالاتی که این روزها هر هوادار فوتبالی از خودش می‌پرسد.

سوال اول که مقامات برگزارکننده بازی و تصمیم‌گیران باید به آن پاسخ دهند مساله کمیت است. با فرض اینکه بار اول و در بازی استقلال قرار بود ورود زنان به استادیوم تست شود و در بار دوم تلاش شد این آزمون برای مطمئن شدن از نتایج آن بار دیگر تکرار شود، از بازی‌های بعدی باید تعداد صندلی برابر با مردان در اختیار زنان قرار بگیرد. شاید برخی تندروها و مخالفان ورود زنان به استادیومها بگویند این زیاده‌خواهی است و حتی مدعی شوند «ما که گفته بودیم اگر ۵۰۰ زن را به استادیوم راه بدهید اینها بیشتر و بیشتر می‌خواهند»، شاید مقامات برگزارکننده بازی از ذکر چنین اعدادی بترسند و با خودشان فکر کنند چطور می‌شود چند هزار زن را در ورزشگاه آزادی راه داد و شاید برخی محافظه‌کاران لب و دهن بگزند که یعنی الان وقت پیش کشیدن چنین درخواست‌هایی نیست و بهتر است اجازه بدهیم همین تعداد به تثبیت برسد بعد بحث افزایش ظرفیت را مطرح کنیم. با این حال نگاه منطقی به ورود زنان به استادیوم نشان می‌دهد نه دلواپس‌ها باید نگران باشند نه محافظه‌کاران و نه مقامات برگزارکننده بازی. اگر دو هزار زن می‌توانند بدون مشکل وارد استادیوم شوند چند هزار نفر هم می‌توانند. اینکه عده‌ای فکر کنند افزایش تعداد زنان کنترل آنها را ناممکن می‌کند درست نیست. افزایش تعداد زنان باعث نمی‌شود پوشش آنها متفاوت شود. پوشش چند هزار زن در استادیوم همان پوشش دو هزار نفر است در ابعادی وسیع‌تر. ممکن است گفته شود هنوز امکانات در استادیوم به اندازه پذیرایی از چند هزار نفر فراهم نیست. به اعتبار اظهارات شاهدان عینی با وجود اینکه سالها بحث زیرساخت‌ها برای ورود زنان به استادیوم مطرح بود، امروز که دو بار آنها توانسته‌اند وارد ورزشگاه شوند امکانات خاصی برای آنها فراهم نشده. صرفاً یک مسیر مجزا در نظر گرفته شده که می‌تواند به چند مسیر مجزا افزایش پیدا کند، وگرنه از نظر امکاناتی نظیر بوفه و سرویس بهداشتی و آبخوری و... زنان همان شرایط مردان را دارند که استانداردی بسیار پایین است.

مساله بعدي گسترش است فرضهاي مطرح شده براي سوال دوم هم به صورت كامل صدق مي‌كند. ورود زنان به استاديوم بايد به سرعت گسترش پيدا كند. تافته جدا بافته كردن تهران از ساير شهرستانها نه صورت خوبي دارد و نه معنای درستي به مردم جامعه منتقل مي‌كند. پيش از شروع هفته چهارم ليگ بسياري از باشگاهها با اشاره به حضور زنان در بازي استقلال و مس كرمان درخواست ورود زنان هوادار را به فدراسيون و سازمان ليگ و ارگانهاي مربوطه ارسال كردند كه همگي جواب منفي گرفتند. با توجه به تمام استدلالهاي بالا و مخصوصا تاكيد روي مبحث زيرساخت كه مشخص شده نه امري فضايي و غيرقابل دسترس است و نه كار شاقی، ورود زنان به ساير استاديومهاي كشور هم بايد از همين هفته در دستور كار قرار بگيرد. زنان شهرستان نبايد نسبت به زنان پايتخت احساس تبعيض پيدا كنند. نبايد ورود به ورزشگاه هم برود در ليست امكاناتي كه فقط پايتخت نشينها دارند. ورزش و مخصوصا فوتبال به خاطر ارتباط با عامه مردم از بزرگترين شهرها تا كوچكترين روستاها اينقدر محبوب شده و نبايد گره بخورد با سياستهاي مركزگرا. زنان طرفدار تراكتور، زنان طرفدار ملوان و نساجي، زنان طرفدار سپاهان و فولاد و خلاصه همه تيمهاي ليگ بايد بتوانند همانند زنان طرفدار استقلال و پرسپوليس وارد ورزشگاه شوند و تيم محبوبشان را تشويق كنند. وقتي دو تجربه موفق حضور زنان سرخاين در ورزشگاه آزادي و البته قبلتر از آن در بازيهاي ملي وجود دارد دست دست اصلا جايز نيست.

از همه اينها مهمتر تجربه‌هايي است كه نشان مي‌دهد تصميماتي كه در ابتدا تنها قرار بوده به شكل آزمايشي و مقطعي اجرا شود، بعد از مدتي تبديل به يك رويه غيرقابل تغيير شده است. پس بهتر است از همين ابتدا مرحله گذار پشت سر گذاشته شود.

تمام دلواپسها و محافظهكارها و مقامات مطمئن باشند برخورد راحت با اين مساله همه چيز را حل مي‌كند. كافي است ورود زنان به استاديوم در ابعاد وسيعتر و شهرهاي بيشتري صورت بگيرد و چند وقت بعد ببينند، اين اتفاق آنقدر عادي شده كه ديگر كسي در موردش حتي حرفي نمي‌زند. اما همانطور كه سالها محدوديت كامل، حق طبيعي زنان را تبديل به يك مطالبه كرد و حاشيه‌ها و داستانهاي بزرگي ساخت، اين آزادي قطره‌چكاني هم مي‌تواند دردسرهاي خودش را داشته باشد. لطفا با توجه به همين دو تجربه موفق كه هم مقامات داخلي را راضي كرد و هم تشويق [فيفا](#) را به دنبال داشت و هم مردم را سر ذوق آورد، بگذاريد اين ماجرا يكبار براي هميشه تبديل به يك امر عادي شود. تمام امكانات مورد نياز از قبيل حمل و نقل و مسيرهاي مجزا و اين چيزها در عرض يك هفته قابل دستيابي است. تنها مي‌ماند يك تصميم بزرگ و شجاعانه.

*روزنامه اعتماد/5294